

## رازق مامون: نوکر ارتجاع در نقاب ژورنالیست

بعد از مشاهده مصاحبه خانم ملالی جویا با تلویزیون طلوع که به تاریخ ۹ می ۲۰۰۶، به گرداندگی رازق مامون انجام یافته بود، نمودارم برای چندمین بار برای ملت پر درد مان که در جنگ اهریمن های سیاه و سرخ چه بی نقاب و چه با نقاب، نفس میکشند، گریستم. اینبار نه سیاقی بود که به نام خدا و دین به جویای عزیز بتازد و نه هم نابخردان سرخ دست و سیاه مغزی که در تالار پارلمان به خانم جویا دشنام میدادند. اینبار یکی از همفکران به ظاهر "دموکرات" شان مرد میدان گستاخی بود که زیر ماسک ژورنالیست و تحت نام مصاحبه کننده، عقده مندانه و بی حرمتانه، در تلاش استنتاج جویای گرامی بود. با پرسش اولین سوال هر بیننده آگاه میدانست که آقای مصاحبه کننده در جستجوی آنست که به باداران رنگارنگ خود بفهماند که یکی از نوکران به درد بخور شان است و صاحب جاه و مقامی گردد که هتاکای های بیشرمانه اش و قطع نمودن صحبت های خانم جویا در هر ده ثانیه شاهد ادعای ماست. خوشبختانه که خانم جویا با پاسخ های نهایت حرمتانه و منطقی مانع این آرزوی پلید آقای مصاحبه کننده شد که از حرکات غیر ارادی و حالت به هم خورده آقای مامون در اواخر مصاحبه به خوبی واضح و هویدا بود. (۱)

آقای مامون!

نمیخواهم که از معیار های قبول شده ژورنالیستی یادآوری کنم. زیرا نمیخواهم شما را در ردیف یک ژورنالیست قرار دهم تا توهینی نباشد به ژورنالیستان واقعی دنیا. فقط میخواهم بگویم که به مانند هر جامعه دیگر، در جامعه افغانی ما هم انسانها پابندی به اصول و ارزش های قبول شده انسانی را از یک انسان دیگر توقع دارند و متأسفانه که شما هم انسان هستید. شما میتوانید از خانم جویا نفرت داشته باشید، شما میتوانید افکار و اندیشه تماماً متضاد با خانم جویا داشته باشید، که دارید، فقط هیچگاهی نمیتوانید در مقابل یک انسان، یک زن و آن هم یکی از نماینده گان واقعی این ملت به آن شکلی که پای تان تقریباً به شانه تان بلند شده بود، بنشینید. و آنهم در مقابل چشم هزاران بیننده تلویزیون.

آقای مامون!

فراموش نکنید که ملالی جویا ها و رمضان بشر دوست ها از نمایندگان واقعی این ملت اند که نه به زور تفنگ، نه با پول قاچاق لاجورد و زمرد و "طلای سفید" و نه هم به کمک مستقیم و غیر مستقیم کشور های بیگانه به پارلمان راه یافته اند. ملالی جویا ها، رمضان بشر دوست ها از اندک نمایندگان راستین مردم مظلوم و پر درد ما اند که بی حرمتی در مقابل شان توهین ایست نا بخشودنی به هزاران انسان این خطه باستان.

آقای مامون!

هر چند مسایل زیادی را با هتاکای های عوام فریبانه در قالب سوال و بعضاً هم با "پند و اندرز" طراویده شده از منطق خادی - جهادی و قبیله یی تان در جریان مصاحبه مطرح کردید، که خوشبختانه خانم جویا با خونسردی و با استدلال

عالی برایتان پاسخ گفت. فقط نگارنده این سطور بمتابه یک جوان داغیده از نسل خون و درد، میخوام نکاتی را که افشاگر چهره واقعی شماست در این مقال روشن سازم.

زمانی که خانم جویا به پاسخ تان گفت "که هدف شان آن عده از مجاهدینی است که بخاطر قدرت جنگیدند و بخصوص سران شان که روشن کننده آتش جنگ های قدرت طلبانه بودند." شما خاینانه و بیشرمانه گفتید "که به خاطر قدرت همه می جنگند و مبارزه میکنند، پس این یک جنایت است؟" بسیار خوب، پس اگر شکم دریدن ها، ویرانی ها، قتل و قتل هزاران انسان بیگناه در جنگ های تباه کننده به زعم شما "مبارزه به خاطر قدرت"، در دهه ۹۰ میلادی، جنایت نبود، پس جنایت به نظر شما چیست؟ آیا زمانی که "قهرمان ملی" هر روز با یک پهلوان خونخوار همفکرش درگیر میشد و در نتیجه آن هزاران انسان بیگناه به خاک و خون میافتاد، "آخرین پهلوان خراسان" با یک "زبان سیاسی منطقی" به خاطر قدرت مبارزه میکرد یا جنایت میکرد؟

آقای مامون! فراموش نکنید که حتی کودکانی که در سرک های کابل از بام تا شام در بیچارگی گدایی میکنند و مثل شما "شاعر"، "نویسنده" و "محقق" هم نیستند، میتوانند برایتان درس دهند که فرق بین جنایت و مبارزه بخاطر قدرت چیست. نگارنده خوب به خاطر دارم که یکی از رهبران سیاسی ترکیه آقای نجم الدین اربکان (برادر خوانده گلبدین حکمتیار) زمانی در یکی از صحبت هایش در پارلمان ترکیه در سال ۱۹۹۴ میلادی که در آن وقت رهبر حزب رفاه ترکیه بود، گفت: "حزب رفاه به قدرت خواهد آمد، فقط نمیدانم مرحله انتقالی ایکه ما را به قدرت مطلق تک حزبی خواهد رساند توام با خشونت و خونریزی خواهد بود و یا با نرمش و مصالحه." فقط همین یک جمله یکی از عواملی بود که حزب رفاه از طرف محکمه عالی قانون اساسی ترکیه منحل شد، و خود آقای اربکان به مدت مدیدی از سیاست منع گردید. (۲) توجه کنید، که تنها به زبان آوردن خشونت و خون، حتی در کشور های نیمه دموکراتیک چی عواقب وخیمی را برای "مبارزین قدرت" در قبال دارد و شما که وحشیانه ترین جنایات را زیر نام "مبارزه به خاطر قدرت" مشروعیت میبخشید به عوض سال ها زندان زیر ماسک "نویسنده"، "شاعر" و "ژورنالیست" برای مردم مظلوم ما هنوز هم یاهو سرائی میکنید. شما هرچند گاهی با مراجعه به تاریخ میخواستید بداران سرخ و سبز تانرا برائت دهید. فراموش نکنید که تاریخ تنها قضاوت میکند ولی هیچگاه عفو نمیکند. عاملین جنگ ها، بدبختی ها، و خیانت های قدرت طلبانه خاندان محمدزائی در اوراق زرین تاریخ ما همیشه نفرین شدند و تا جاودانگی این سرزمین باستان نفرین خواهند شد. فقط فراموش نکنید، که عاملین جنایات ۲۵ سال اخیر، با نوکران قلم بدست و تفنگ بدست شان هنوز هم به گرده مردم ما سوار هستند.

همچنان در یک قسمت مصاحبه با چشم پارگی و مغرضانه ادعا کردید که گویا "هیچکسی در افغانستان از جرم و جنایت میرا نیست و این ملت است که باهم میجنگند، پس کابل را کی ویران کرد؟ مردم بودند که جنگ کردند و کابل ویران شد."

آقای مامون! شما که اینطور خاینانه تلاش میکنید که پای ملت مظلوم ما را به جنایات خود یا بداران تان شریک سازید و "رهبران" تانرا برائت دهید، در مقابل چی امتیازی را بدست میاورید؟ صمیمانه از شما خواهش میکنم که لاقل برای یک بار هم اگر میشود، پاداش بیشرمی های زبونانه تانرا نوشته کنید که از نوشتن صد ها هرزه نامه های "ادبی" و

"تحقیقی" برای مردم ما جالبتر و مفیدتر خواهد بود. نوشته کنید که چند فیصد از پول های قاچاق مواد مخدر برایتان وعده داده شده است؟ و یا حق تان از ملیون ها دالری که "سیا" برای شورای نظار داد، چقدر بود. و آیا در درازای این همه چشم پاره گی، از پول های که سیاف از احمد بدیب و ترکی الفیصل گرفته بود، چیزی نصیب تان شده است؟ یا خیر؟ یا مسئله وزارت یا سفارت در پیشروست؟ فرق نمیکند میتوانید با فارسی ناب "آریائی" نوشته کنید. فقط نوشته کنید.

در مورد ادعاء تان باید بگوئیم که حساب مردم ما از تمام آن جنائتکاران بیگانه پرست چی تفنگدار چی قلم دار جداست. به شمول شما، همه میدانند که تمام مجرمان سه دهه اخیر یک تعداد معدودی بودند و هستند که کشور ما را رهین گرفته بودند. فرض کنیم که ادعای شما بجاست " و این مردم هستند که میکشند و شهر ها را ویران میکنند"، پس باید بعد از جنگ دوم جهانی تمام مردم آلمان باید محاکمه میشدند. چرا یک تعداد معدود که عاملین آن همه قتل عام و نسل کشی بودند، در محاکمه نورنبرگ محاکمه شدند و از جمله وزیر خارجه رژیم فاشیست هیتلری که شاید هیچ کسی را هم شخصاً نکشته بوده باشد، از اولین کسانی بود که اعدام شد؟ نخیر آقای مامون، همانطوری که هیچگاهی نمیتوان قساوت و جنایات بربرمنشانهء جنگسالاران افریقا را بدوش مردم فقیر و حقیر آن قاره سیاه انداخت، حساب مردم فقیر و عذاب دیده پنجشیر نیز از مثتی جنایتکار معلوم الحال که سنگریزه های آن دره زیبا نیز از نام های شوم شان شرم دارد، جداست.

برخلاف اظهارات کاذب تان که گفتید "در زمان جنگ با شوروی و انگلیس هم مردم ما چندان یک پارچه نبودند، تاریخ افغانستان نشان میدهد که هیچ چیزی در این کشوریک پارچه نبوده و حال هم نیست" میخواهم یاد آور شوم که تاریخ واقعی افغانستان نشان میدهد که مردم ما باوجود امیران، شاهان و "قهرمانان" بیگانه پرست، خاین و خود ساخته همیشه یک پارچه و متحد بوده اند و خواهند بود. فراموش نکنید که اگر امیر دوست محمد، یا امیر عبدالرحمن بخاطر منافع شوم شان با اجنبیان ساختند و تفرقه انداختند، هزاران انسان این سرزمین از بلخ تا کندهار و از هرات تا ننگرهار با "یک مشت گندم بریان و تلخان" در مقابل اشغالگران فرنگی متحدانه و یک پارچه جنگیدند. و یا باز هم اگر امیر مسعود یا امیر سیاف یا امیر گلبدین با دیگر امیران خورد و بزرگ همفکر شان به باداران خارجی شان سر خم کردند، میلوونها قهرمان واقعی بر ضد "سوسیال فاشیست" های وطنی و باداران روسی شان مبارزه کردند. به همگان روشن است که تنی چند از برتری خواهان قبیله بی چه پشتون و چه غیر پشتون، به کمک سازمان های استخباراتی بیگانه، همیشه در تلاش هستند که با مراجعت به خیانت و جنایت های "رهبران" خود ساخته شان افتخارات مردم ما را جعل کنند و مردم ما را فاقد افتخارات تاریخی، بینش و دانش سیاسی، اتحاد و همبستگی مردمی جلوه دهند. بلی، "تاریخ افغانستان نشان میدهد" که انگلیس ها و جاسوسان شان هم زمانی مردم ما را دزد، وحشی، و غیر قابل اصلاح میخواندند تا قساوت و بی رحمی امیران خود ساخته شان را دو چندان ساخته، مردم ما را برای همیشه در اسارت خود نگهدارند. با صد دریغ و درد که تاریخ تکرار میشود.

یک سخن به جای پس گفتار:

با حفظ احترام به آزادی عمل و با اجتناب از مداخله در کار تان، میخواهم خدمت شما آقای سعد محسنی رئیس تلویزون طلوع، صمیمانه به عرض برسانم که همانطوری که شما هم واقفید و در اظهارات تان با بی بی سی بیان داشتید که

"شصت در صد از مردم کشور را جوانان زیر بیست سال تشکیل می دهند،" (۳) پس چه بهتر است تا به عوض این همه انسان های مشکوک، قبیله گرا و تجربه شده به جوانان و چهره های جدیدی که با توانائی و استعداد سرشار و پابندی به اصول و ارزش های مدرن انسانی میتوانند به مراتب خوبتر و بهتر باشند، فرصت داد، تا باشد که مردم ما لاقلاً در پرده تلویزون، از دیدن آنانی که به خیانت، چاپلوسی، و عوام فریبی خو گرفته اند و از تاریکی با بیشر می استقبال میکنند، رهائی یابند.

-----  
(۱) دوستان علاقمند میتوانند فلم مصاحبه خانم جویا با تلویزون طلوع را از وب سایت کمیته دفاع از ملالی جویا ([www.malalaijoya.com](http://www.malalaijoya.com)) به دست بیاورند.

(۲) روزنامه ترکی زبان حریت، چاپ استانبول، ۱۷ جنوری، ۱۹۹۸

(۳) وب سایت فارسی بی بی سی، "رپ افغانی: عشق به وطن و عشق به 'چشمان سیاه و دلربای دختر'"، ۱۳ می

۲۰۰۶